

مقاله پژوهشی

تحلیل نقش رخس در ساختار روایت نگاره‌های هفت‌خوان رستم با تأکید بر روایتگری (نمونه موردی شاهنامه قرچغای خان)

ادهم زرغام^۱، الناز دستیاری^۲

۱. دانشیار گروه نقاشی و مجسمه‌سازی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکده‌های هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشکده‌های هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲

چکیده

از آنجایی که روایت‌شناسی مبحثی بینارشته‌ای محسوب و در زمینه‌های متنوع استفاده می‌شود، می‌توان آن را جهت بررسی آثاری که در حیطه هنرهای تجسمی می‌گنجند نیز به کار گرفت. همان‌طور که از مطالعه آثار نگارگری مشخص است، نگاره‌های ایرانی نشان‌دهنده ویژگی‌هایی هستند که تحلیل روایت‌شناسانه را امکان‌پذیر می‌کنند. در واقع ارتباط مستحکم نگارگری با متن و به‌ویژه ادبیات، موجب تحقق هرچه بیشتر این امر می‌شود. چنین به نظر می‌آید که اشعار حماسی شاهنامه، نقشی چشمگیر در پدیدآمدن نگاره‌های ایرانی ایفا کرده‌اند و این اثر در طول دوران متفاوت مصور شده است. در این راستا، پژوهش حاضر با این سؤال روبه‌رو است که نگارگری ایران تا چه حد براساس سلیقه نگارگر و درک او از روایت کار شده یا سفارش دربار چه میزان در شکل‌گیری آثار نگارگری مؤثر بوده است؟ هدف پژوهش حاضر، مطالعه سیر زایشی معنا در نگاره‌های مرتبط با موضوع هفت‌خوان رستم در شاهنامه از منظر روایتگری و تبیین نقش نگارگر در این زمینه است و روش پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش، دو نگاره با عناوین «خوان اول رستم: سرزنش رخس» و «خوان سوم رستم: کشتن اژدها با کمک رخس»، از شاهنامه قرچغای خان (وینزور) به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شده و اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری و در جهت پاسخگویی به پرسش پژوهش ساماندهی شده‌اند. در انتها، چنین به نظر می‌رسد که از قلمرو ظاهری نگاره‌ها و همچنین تحلیل روایتگری، می‌توان به سیر زایشی معنا دست پیدا کرد. به‌علاوه، می‌توان به این نکته دست یافت که در نقاشی ایرانی، فردیت نگارگر نقش پررنگی ایفا نمی‌کند و نمی‌توان با قطعیت مشخص کرد که تا چه حد سلیقه نگارگر و یا سفارش سفارش‌دهندگان در شکل‌گیری آثار دخیل بوده است.

واژگان کلیدی: نگارگری ایران، شاهنامه، هفت‌خوان رستم، رخس، روایتگری.

بیان مسئله

روایت‌شناسی، رویکردی بینارشته‌ای است که در ارتباط با موارد گوناگونی کاربرد دارد. در روایت‌شناسی به روایت (داستان‌گویی) و ساختار پیرنگ پرداخته می‌شود. تحلیل روایت‌شناسانه، فقط متعلق به متون نوشتاری نیست و آثار هنرهای تجسمی نیز می‌تواند از این منظر مطالعه و بررسی شود. در میان آثار متعلق به این حیطه، نگارگری ایرانی به سبب پیوند مستحکم میان متن و تصویر، ویژگی‌هایی را به

نمایش می‌گذارد که بستر مطالعاتی از این دست را فراهم می‌کند. به‌ویژه ارتباط نگارگری ایرانی با اثر حماسی فردوسی یعنی شاهنامه از این منظر حائز اهمیت است. این‌گونه به نظر می‌رسد که آثار شاعرانی نظیر جامی، نظامی و همچنین اشعار حماسی شاهنامه، دارای نقشی بی‌بدیل در شکل‌گیری نگاره‌های ایرانی بودند و نگارگران ایرانی در طول دوران متفاوت، همواره تلاش در تبدیل اشعار و معانی اثر حماسی شاهنامه به عناصر بصری داشتند. نگارگری ایرانی همواره ارتباط مستحکمی با ادبیات دارد. غالباً نقاط عطفی از شعر و ادبیات توسط نگارگر انتخاب می‌شد و با زیبایی‌شناسی

تجسمی و همچنین نگاره‌های ایرانی، چندان مورد استفاده قرار نگرفته و پژوهشی در جهت تبیین جایگاه سلیقه نگارگر ایرانی و میزان دخیل بودن سفارش‌دهنده ارائه نشده است. پژوهش حاضر به مبحث روایتگری در نگارگری پرداخته و نظریه‌ای نو را مطرح کرده که آیا سلیقه نگارگر در آفرینش آثار مؤثر بوده یا سلیقه سفارش‌دهنده و یا هر دو مورد گاه انجام شده است؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش، تلاش شده که به سلیقه و درک نگارگر از روایت پرداخته شود و در این راستا، نقش رخس در نگاره‌های مربوط به هفت‌خوان رستم در شاهنامه بررسی و مطالعه شود. از این رو، تعداد دو نگاره با عنوان «خوان اول رستم: سرزنش رخس» و «خوان سوم رستم: کشتن ازدها با کمک رخس» از شاهنامه قرچغای‌خان (وینزور) به‌عنوان نمونه موردی در نظر گرفته شده‌اند. دلیل انتخاب نگاره‌های مذکور، فراهم آوردن بستری جهت مطالعه نقش رخس بوده است. در پژوهش حاضر، اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای گردآوری و در جهت پاسخگویی به پرسش پژوهش ساماندهی شده‌اند.

مبانی نظری

روایت‌شناسی، ژانرهای روایی و نظام‌های مربوط به روایت (داستان‌گویی) و ساختار پیرنگ را شامل می‌شود. در کتاب «دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر» به سه دوره مشخص در تاریخ روایت‌شناسی اشاره شده است که شامل دوره اول، پیش‌ساختارگرا (تا ۱۹۶۰م)، دوره دوم، ساختارگرا (از ۱۹۶۰م. تا ۱۹۸۰م.) و دوره سوم، پس‌ساختارگرا می‌شود (مکاریک، ۱۳۹۰، ۱۴۹). در دوره ساختارگرایی (دهه ۶۰ م.)، پژوهشگران مرتبط با حوزه صورت‌گرایی روسی و زبان‌شناسی سوسوری مبانی نظریه روایت‌شناسی را پایه‌گذاری کردند. تأثیر پژوهش‌ها و مطالعات دهه ۶۰ م. را می‌توان در نام‌گذاری مواردی همچون روایت بن، اسطوره بن، نقش‌مایه و انواع رخدادها ملاحظه کرد. مکاریک اشاره می‌کند که تفاوت قائل‌شدن ارسطو در فصل سوم کتاب بوطیقا، میان بازنمایی یک ابژه و یا روایت یک سرگذشت توسط راوی و بازنمایی آن به واسطه شخصیت‌ها را می‌توان نخستین قدم در قلمرو روایت‌شناسی قلمداد کرد (همان). در واقع رویکرد ارسطو مبحثی زیبایی‌شناختی را میان نویسندگان پایان سده نوزدهم و نویسندگان آغاز سده بیستم میلادی رقم می‌زند. گرایش‌های کنونی در حیطه روایت‌شناسی،

مختص نقاشی ایران به تصویر در می‌آمد. این درحالی است که به لحاظ ماهیت، زبان ادبیات و نقاشی، دو زبان و بیان متفاوت‌اند که هرکدام کارکرد خود را دارند و هیچ‌کدام کاملاً قادر به توصیف دیگری نیستند. از این رو، پژوهش حاضر به یکی از مشهورترین روایت‌های شاهنامه، یعنی هفت‌خوان رستم می‌پردازد که در نگاره‌های زمان‌های گوناگون مصور شده است و مشخصاً، نقش رخس را از منظر روایتگری مطالعه و بررسی کرده است. در این راستا، دو نگاره مرتبط با خوان اول و خوان سوم با عناوین «سرزنش رخس» و «کشتن ازدها با کمک رخس» از شاهنامه قرچغای‌خان، مطالعه و بررسی شده است. هدف از این پژوهش روشن‌ساختن و مطالعه سیر زایشی معنا در نگاره‌های مذکور از منظر روایت‌شناسی است. این پژوهش با این پرسش روبه‌رو است که نگارگری ایرانی چقدر با سلیقه نگارگر و درک او از روایت مرتبط است و موارد دیگری نظیر سفارش دربار ... تا چه میزان در شکل‌گیری آثار نگارگری دخیل بوده‌اند؟ در راستای پاسخ به پرسش مذکور، مشخصاً به نقش رخس در دو نگاره انتخابی توجه شده و جایگاهی که رخس در این نگاره‌ها به خود اختصاص می‌دهد، بررسی شده است. پژوهش حاضر از آن رو حائز اهمیت است که مشخص می‌کند چگونه می‌توان با گذر از سطوح ظاهری به سطوح عمیق‌تر معنا دست یافت و همچنین سازوکار تبدیل متن به تصویر در قلمرو نگاره‌های ایرانی را معین کرد.

پیشینه پژوهش

بیات و مصباح (۱۴۰۲) در مقاله «تحلیل ساختار روایت در متن و نگاره جنگ تیمور با سلطان محمود والی هندوستان بر مبنای الگوی کنشی گریماس»، نگاره‌ای از ظفرنامه تیموری را مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین شباهت‌ها و تفاوت‌های حاکم بر الگوی کنشی گرمس در مقایسه با متن و ارتباط ساختار روایی، سنجیده شده است. به‌علاوه، موسوی‌لر و مصباح (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل ساختار روایت در نگاره مرگ ضحاک بر اساس الگوی کنش گریماس»، ضمن تشریح الگوی مذکور، ساختار روایت را در این نگاره مورد بررسی قرار داده‌اند و به انطباق جزء‌به‌جزء دو سطح زیربنایی و روبنایی نگاره با ساختار روایت پرداخته‌اند. نبی‌لو چهرقان در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل ساختار روایی هفت‌خوان رستم» (۱۳۹۰)، داستان هفت‌خوان رستم را با تأکید بر آراء ساختارگرایان بررسی کرده و از منظر پراپ، گرمس و تودوروف به این روایت پرداخته است. بنابر جستجوی نگارندگان، چنین به نظر می‌رسد که رویکرد روایتگری در حیطه بررسی آثار هنرهای

قرچغای خان در ابعاد ۴۶ در ۲۸ سانتی متر و نسخه خطی شامل ۷۵۶ برگ است که با خط نستعلیق نگارش شده و دارای تزئینات فراوان است. همچنین حاشیه‌های وسیع در سرتاسر جلد با طرح‌هایی از حیوانات و پرندگان پوشیده شده است (Robinson et al., 2007, 18). از سرنوشت شاهنامه قرچغای خان تا مدت دو قرن بعد از تمام شدنش اطلاعی در دست نیست اما مسلم است که شاهنامه مذکور به مدت دو سده در خانواده قرچغای خان بوده و دست‌به‌دست شده‌است. حسینی اشاره می‌کند که شاهنامه مذکور تا اواسط قرن دوازدهم هجری قمری در اختیار احمدشاه، حاکم افغانستان بوده و سپس به کامران، ولیعهد افغانستان ارث رسیده است. در نهایت نیز، کامران‌شاه (حاکم هرات) این شاهنامه کامل و نفیس را به‌عنوان هدیه برای ملکه ویکتوریا ارسال می‌کند (حسینی، ۱۳۹۰، ۱۷).

تحلیل ساختار روایت نگاره‌ها

در مراسم دینی و اسطوره‌های متعلق به بسیاری از تمدن‌ها، اسب مقامی شامخ را به خود اختصاص می‌دهد که در وهله اول، نماد خورشید محسوب می‌شد و گردونه آن را می‌کشید. همچنین برای خدایان خورشید، اسب را قربانی می‌کردند (هال، ۱۳۹۲، ۲۴). بخش عمده‌ای از روایات شاهنامه، حماسه‌های مرتبط با پهلوان‌ها و دل‌آوری‌های آنان است که زندگی‌شان به نوعی قرینه با اسب است. از این‌رو، اسب را می‌توان پرکاربردترین حیوان نمادین در شاهنامه دانست. اسب در شاهنامه همواره یاور و همراه شخصیت پهلوان است و او را در نبردها یاری و با او صحبت می‌کند. قائمی و یاحقی اشاره می‌کنند که اغلب اسب‌های اساطیری شاهنامه، شخصیت مستقلی دارند که نیمه پنهان پهلوان حماسه در وجود آنان فراق‌کنی شده‌است. رخس به‌عنوان مرکب و یار و همدم رستم، شخصیت اول حماسی کتاب شاهنامه، مهم‌ترین نمونه در این زمینه است تا آن‌جا که شخصیت رستم بدون رخس، یک شکست‌خورده محسوب می‌شود (قائمی و یاحقی، ۱۳۸۸، ۱۸). بهترین نمونه این مکمل بودن درباره رخس در هفت‌خوان رستم پدیدار می‌شود. در نگاره «خوان اول رستم: سرزنش رخس»، از شاهنامه قرچغای خان (وینزور)، خوان اول از هفت‌خوان رستم به تصویر کشیده شده‌است. در شاهنامه آورده شده که رستم برای نجات کیکاووس در دژی گرفتار شده و هفت‌خوان را پشت سر می‌گذارد. در خوان اول، رستم به دشتی پر از گور می‌رسد و پس از خوردن یکی از آن‌ها به خواب فرو می‌رود، درحالی‌که آن نیستان بیشه شیران است. با گذشت پاسی از شب، رخس با شیری درنده که به سمت رستم می‌آید، می‌جنگد و او را از پای در می‌آورد (تصویر ۱).

نشان‌دهنده ورود اندیشه‌هایی از دیگر رشته‌ها است. به‌طور کلی روایت‌شناسی روشی جهت تحلیل روانشناختی عمل روایت قلمداد می‌شود و به بررسی فنون یک روایت می‌پردازد که خود از داستانی تشکیل شده‌است. در کتاب «روایت‌شناسی کاربردی» آورده شده که روایت‌شناسی به‌عنوان یک علم، تمام مفاهیم و سطوح اصلی سازماندهی یک روایت را مورد توجه قرار می‌دهد و به تمام موارد موجود در متن می‌پردازد (عباسی، ۱۳۹۳، ۳). بدین ترتیب، روایت‌شناسی و به تعبیری همان علم عمل روایت، شاخه‌ای علمی در نظر گرفته می‌شود که به فنون و ساختارهای روایی موجود در یک متن ادبی می‌پردازد و آن‌ها را بررسی و مطالعه می‌کند. البته باید در نظر داشت که پیرنگ، اصطلاح ادبی استفاده شده برای ساختار روایت است و اغلب مطالب بیان‌شده در این حیطة، برگرفته از پوئیک ارسطو است. مارتین اشاره می‌کند که پیرنگ حاصل ترکیب پی‌رفت زمانی و علیت است. به‌عنوان مثال، پادشاه مرد و سپس ملکه مرد داستان است اما پادشاه مرد و سپس ملکه از غصه مرد، پیرنگ می‌شود (مارتین، ۱۳۸۲، ۵۷). همواره بر پیرنگ، وحدت حاکم است. به این معنا که در ابتدا موقعیتی آرام وجود دارد سپس این موقعیت با آشفتگی مواجه می‌شود و در پایان روایت، موقعیت آرام دیگری ایجاد می‌شود. برگر یادآور می‌شود که روایت را باید یک داستان در نظر گرفت که زنجیره‌ای از رخدادها را شامل می‌شود (برگر، ۱۳۸۰، ۱۸). همچنین باید این نکته را مدنظر قرار داد که روایت‌ها در طول یک دوره زمانی شکل می‌گیرند و ممکن است این دوره زمانی مانند یک قصه کودکانه کوتاه باشد و یا همچون برخی از رمان‌ها و حماسه‌ها بتوان زمانی طولانی را برای روایت در نظر گرفت.

شاهنامه قرچغای خان

شاهنامه قرچغای خان متعلق به ۱۰۵۸ هـ-ق است و امروزه در قصر سلطنتی وینزور در بریتانیا نگهداری می‌شود. نگاره‌های این شاهنامه از لحاظ طیف رنگ و فضا سازی با نگاره‌های شاهنامه رشیدا شباهت دارند. شاهنامه قرچغای خان دارای ۱۴۸ نگاره است که بدون رقم هستند و تنها «رقم محمد یوسف» در پایین یکی از نگاره‌های آن (مجلس ۶۹ داستان نبرد افراسیاب و برزو) آورده شده‌است (حسینی، ۱۳۹۰، ۱۴). چنانچه گفته شد، اغلب پژوهشگران نگاره‌های این شاهنامه را اثر محمد یوسف و محمد قاسم از نگارگران عهد دوم عباسی در نظر می‌گیرند. با این حال به واسطه بررسی دقیق‌تر نگارگرهای این نسخه، مشخص می‌شود که علاوه بر نگارگران یاد شده، هنرمندان دیگری نیز در شکل‌گیری این نسخه داشتند که شناخته شده نیستند. در مقدمه کتاب «شاهنامه وینزور ۱۶۴۸» آورده شده که شاهنامه

به چشم می‌خورد. نگاره ترکیب‌بندی متقارن دارد، رخس و شیر به ترتیب در موقعیت‌های یاری‌دهنده و بازدارنده روایت در سمت راست و رستم در سمت چپ نگاره قرار گرفته‌اند. تقارن را می‌توان در شکل صخره‌ها، ابرها، سنگ‌ها و جداول ملاحظه کرد. در این نگاره، رخس و شیر در پیشبرد روایت، نقشی پررنگ ایفا می‌کنند و در یک سمت نیز تصویر شده‌اند. افزون‌بر محل قرارگیری آن‌ها، شباهت رنگ رخس و شیر نیز نشان از وجود ارتباط میان آن دو دارد. همچنین مورد دیگری که در تصویر کردن این روایت چشمگیر است، جای قرارگیری تقریباً برابر رخس و رستم در تصویر است که نشان از حمایت و یاری‌گری اسب در شاهنامه به‌عنوان یک پهلوان دارد. در این نگاره، هنرمند قسمتی از متن را به سلیقه خود و یا سفارش دربار انتخاب کرده‌است که پیش از به خواب رفتن رستم و درگیری رخس و شیر را نشان می‌دهد. این‌گونه به نظر می‌رسد که افزون‌بر اشاره به پنهان بودن شیر در متن، شیر تماماً پشت یک بوته تصویر شده تا بر نقش تقریباً همسان و برابر رخس و رستم در این نگاره تأکید شود.

می‌توان این‌گونه گمانه‌زنی کرد که نگارگر بر مبنای سلیقه شخصی و یا به سفارش دربار این قسمت از متن را انتخاب کرده‌است. از مطالعه تطبیقی نگاره‌های مرتبط با خوان اول رستم، می‌توان به الگوی مشترکی جهت قرارگیری رستم، رخس و شیر دست یافت. بر اساس جستجوی نگارندگان، اغلب نگاره‌های موجود، درگیری رخس و شیر را نشان می‌دهند اما در شاهنامه قراچغای‌خان، نگارگر زمانی را به تصویر کشیده که رستم از خواب بیدار شده و با اطلاع از آنچه اتفاق افتاده به سرزنش رخس می‌پردازد. به نظر می‌رسد که در اغلب نگاره‌های مرتبط با این موضوع، قرارگیری رستم، شیر و رخس، شکلی L مانند دارد و رخس در میان شیر و رستم تصویر شده‌است. همچنین در اغلب نگاره‌هایی که درگیری رخس و شیر در خوان اول تصویر شده‌اند، معمولاً رخس ارتباطی عمودی با شیر و ارتباطی افقی با رستم دارد. همان‌گونه که گفته شد در شاهنامه قراچغای‌خان سرزنش رخس توسط رستم تصویر شده و چنین به نظر می‌رسد که به تناسب موضوع رخس و شیر ارتباطی عمودی دارند و ارتباط رخس و رستم به صورت افقی نشان داده شده‌است. در جدول ۱، جوادی خاطر نشان می‌سازد که نقاش، گاه‌با سلیقه، درک و انتخاب خویش از روایت، صحنه مهم و تأثیرگذاری را به تصویر کشیده‌است و گاه ممکن است که انتخاب به دستور سفارش‌دهنده صورت گرفته باشد. از آنجاکه نگارگری ایرانی در خدمت ادبیات است و بخش‌هایی از شعر و ادبیات توسط نقاش ایرانی مصور می‌شد، غالباً نقاط عطفی از شعر و ادبیات در نگارگری به تصویر کشیده شده‌است. بدین ترتیب، نگارگری



تصویر ۱. خوان اول رستم؛ سرزنش رخس. مأخذ: 12، 2007، Robinson et al.

سوی رخس رخشان بیامد دمان
چو آتش بجوشید رخس آن زمان

دو دست آورد و زد بر سرش

همان تیز دندان به پشت اندرش

همی زدش بر خاک تا پاره کرد

دی را بدان چاره بیچاره کرد

(فردوسی، کتاب یکم، ۱۳۷۵، ۲۵۷)

در روایت هفت‌خوان، رستم نقشی مؤثر دارد که به دنبال مقصود خود یعنی نجات کیکاووس می‌رود. در این روایت، زال رستم را جهت دستیابی به هدف فرستاده‌است. چنانچه نجات کیکاووس به‌عنوان هدف اصلی قلمداد شود، در خوان اول شیر را می‌توان عاملی بازدارنده برای رستم در نظر گرفت. در این اثر، رخس در موقعیت یاری‌دهنده رستم در روایت ظاهر می‌شود و هنگامی که رستم در خواب است با شیر درنده (در جایگاه بازدارنده) می‌جنگد و او را از میان می‌برد. بدین ترتیب، می‌توان برای رخس نقشی پررنگ و حتی هم‌ارز با رستم در نظر گرفت. این امر در ساختار تصویر نگاره نیز

جدول ۱. مطالعه تطبیقی نگاره‌های مرتبط با خوان اول رستم. مأخذ: نگارندگان.

توضیحات	آنالیز نگاره	تصویر نگاره
<p>- قرارگیری رستم، رخس و شیر به شکل L</p> <p>- قرارگیری رخس در میان شیر و رستم</p> <p>- ارتباط عمودی با شیر و ارتباط افقی با رستم</p> <p>- شیر پشت بوته پنهان شده‌است.</p> <p>- بخشی از متن انتخاب شده که رستم از خواب بیدار شده و رخس را سرزنش می‌کند.</p>		<p>شاهنامه قراچغای خان. مأخذ: (Robinson et al., 2007, 12)</p>
<p>- قرارگیری رستم، رخس و شیر به شکل L (با اندکی تغییر)</p> <p>- قرارگیری رخس در میان شیر و رستم</p> <p>- ارتباط افقی با شیر و ارتباط عمودی (و اریب) با رستم</p> <p>- بوته در کار دیده می‌شود اما شیر پشت بوته پنهان نشده‌است.</p> <p>- قسمتی از متن انتخاب شده که رستم خوابیده و رخس با شیر درگیر شده‌است.</p>		<p>شاهنامه شاه طهماسبی. مأخذ: (Canby, 2014, 148)</p>
<p>- قرارگیری رستم، رخس و شیر به شکل L</p> <p>- قرارگیری رخس در میان شیر و رستم</p> <p>- ارتباط افقی با شیر و ارتباط عمودی با رستم</p> <p>- مشخصاً به بوته اشاره نشده‌است.</p> <p>- قسمتی از متن انتخاب شده که رستم خوابیده و رخس با شیر درگیر شده‌است.</p>		<p>نگاره‌ای از شاهنامه، حدود ۹۲۵ هـ. ق. مأخذ: (پاکباز، ۱۳۹۰، ۱۰۳)</p>
<p>- قرارگیری رستم، رخس و شیر به شکل L (با اندکی تغییر)</p> <p>- قرارگیری رخس در میان شیر و رستم</p> <p>- ارتباط افقی با شیر و ارتباط عمودی (و اریب) با رستم</p> <p>- بوته در کار دیده می‌شود اما شیر پشت بوته پنهان نشده‌است.</p> <p>- قسمتی از متن انتخاب شده که رستم خوابیده و رخس با شیر درگیر شده‌است.</p>		<p>شاهنامه شاه عباسی. مأخذ: https://fa.m.wikipedia.org</p>
<p>- قرارگیری رستم، رخس و شیر به شکل L</p> <p>- قرارگیری رخس در میان شیر و رستم</p> <p>- ارتباط افقی با شیر و ارتباط عمودی با رستم</p> <p>- بوته در کار دیده می‌شود اما شیر پشت بوته پنهان نشده‌است.</p> <p>- قسمتی از متن انتخاب شده که رستم خوابیده و رخس با شیر درگیر شده‌است.</p>		<p>شاهنامه استرآبادی. مأخذ: http://malekmuseum.org/sitesearchquer</p>

توضیحات	آنالیز نگاره	تصویر نگاره
<p>- قرارگیری رستم، رخس و شیر به شکل L</p> <p>- قرارگیری رخس در میان شیر و رستم</p> <p>- ارتباط افقی با شیر و ارتباط عمودی با رستم</p> <p>- بوته در کار دیده نمی‌شود.</p> <p>- قسمتی از متن انتخاب شده که رستم خوابیده و رخس با شیر درگیر شده‌است.</p>		 <p>نگاره‌ای از شاهنامه، حدود ۹۰۴ هـ- ق. مأخذ: www.britishmuseum.org/collection/image799784001</p>
<p>- قرارگیری رستم، رخس و شیر به شکل L</p> <p>- قرارگیری رخس در میان شیر و رستم</p> <p>- ارتباط اریب با شیر و رستم</p> <p>- بوته در کار دیده می‌شود، اما شیر پشت بوته پنهان نشده‌است.</p> <p>- قسمتی از متن انتخاب شده که رستم خوابیده و رخس با شیر درگیر شده‌است.</p>		 <p>نگاره‌ای از شاهنامه، قرن ۸ هـ- ق. مأخذ: https://www.metmuseum.org/art/collection/search/452048</p>



تصویر ۲. خوان سوم رستم: کشتن اژدها با کمک رخس. مأخذ: <https://www.rct.uk/collection/1005014/shahnamah-shhnmh-the-book-of-kings>

در تصویر ۲، نگاره «خوان سوم رستم: کشتن اژدها با کمک رخس» همچون نگاره پیشین رستم، نقشی مؤثر در پیشبرد

هنری تزئینی و دارای زیبایی‌شناسی خاص و منحصر به فرد ایران است که بخش‌هایی از ادبیات را به تصویر کشیده‌است (شهره جوادی، مصاحبه شخصی، فروردین ۱۴۰۳). در این راستا، از تطبیق نگاره‌های مرتبط با خوان اول رستم چنین برمی‌آید که همواره الگویی تقریباً ثابت در تصویر کردن روایت وجود دارد.

در تصویر ۲، نگاره «خوان سوم رستم: کشتن اژدها با کمک رخس» از شاهنامه قراچغای‌خان نشان داده شده‌است. در این نگاره، رستم در دشتی به خواب فرو می‌رود که جایگاه یک اژدهاست. اژدها رستم را در خواب و رخس را در حال چرا می‌بیند و به رخس حمله می‌کند. رخس به سمت رستم می‌رود و او را بیدار می‌کند اما اژدها ناپدید می‌شود. رستم از رخس به خشم می‌آید و دوباره می‌خوابد. برای بار دوم این اتفاق تکرار می‌شود و برای سومین بار که اژدها پدیدار می‌شود، رستم آشفته بیدار می‌شود و اژدها را می‌بیند. پس با او درمی‌آویزد. رخس با دیدن قدرت اژدها به کمک رستم می‌آید و پوست اژدها را می‌کند. در نهایت نیز رستم با تیغ سر اژدها را می‌برد. کز آن سان برآویخت با تاجبخش

بکند اژدها را به دندان دو کف

درو خیره شد پهلوان دلیر

چو زور تن اژدها دید رخس

بمالید گوش و درآمد شگفت

بدرید پشتش بدان سان چو شیر

(فردوسی، کتاب یکم، ۱۳۷۵، ۲۶۱)

روایت دارد و هدف که همان آزادی کیکاووس است را دنبال می‌کند. در این نگاره، رخس همچنان در جایگاه یاری‌دهنده ظاهر می‌شود و اژدها را می‌توان عنصری بازدارنده در نظر گرفت. ترکیب‌بندی این نگاره متقارن است. چنانچه از نوک صخره که تقریباً در وسط ضلع کادر بالایی قرار گرفته، کادر به دو نیم تقسیم می‌شود. رستم و سر اژدها در سمت راست و رخس و بدن اژدها نیز در سمت چپ نگاره قرار گرفته‌اند. این نوع قرارگیری می‌تواند با روایت ارتباط داشته باشد که رخس پوست اژدها را می‌کند و رستم سر از بدن اژدها جدا می‌کند. چنانچه قرارگیری رخس، اژدها و رستم در نظر گرفته شود، در امتداد صخره خطی اریب ایجاد می‌شود که رستم را با توجه به نقش خود در موقعیت نمایشی بالاتر از رخس قرار داده است. گرابر اشاره می‌کند که در نگارگری ایرانی احساسات و جنبه‌های روانشناسانه به‌ندرت به‌صورت مستقیم مشهود است اما نشانه‌هایی برای نمایش آن‌ها وجود دارد. در نگاره‌های ایرانی در مورد انسان، همه‌چیز به‌صورت رمز نشان داده می‌شود و رمزگشایی‌ها از طریق تصاویر ممکن نیست. بلکه ضروری است تا به تصویر مراجعه شود و به منبع الهام آثار توجه شود تا بتوان رمزها را پیدا کرد (گرابر، ۱۳۸۴، ۱۷۶). در این اثر، تنها رستم به‌صورت کامل تصویر شده و بدن رخس و اژدها به‌عنوان عناصری یاری‌دهنده و بازدارنده در روایت از کادر بیرون رفته‌اند. چنانچه پیشتر گفته شد در نقاشی ایرانی، هنرمند آنچه را که مهم تشخیص می‌داد طبق سلیقه خود یا به سفارش حاکم کار کرده‌است. همان‌طور که از مطالعه تطبیقی نگاره‌های مرتبط با خوان سوم رستم برمی‌آید در این نگاره‌ها می‌توان دو شیوه قرارگیری متفاوت را در نظر گرفت. در برخی نگاره‌ها، اژدها در میان رخس و رستم تصویر شده است اما در برخی نگاره‌ها اژدها در مقابل رستم و رخس قرار می‌گیرد. همچنین در مواردی نظیر جایگاه قرارگیری رخس نسبت به رستم، تماس اژدها و رخس تفاوت‌هایی را می‌توان در نظر گرفت. در اغلب این نگاره‌ها قسمتی از متن انتخاب شده که درگیری رخس و رستم را با اژدها نشان می‌دهد (جدول ۲).

روایت دارد و هدف که همان آزادی کیکاووس است را دنبال می‌کند. در این نگاره، رخس همچنان در جایگاه یاری‌دهنده ظاهر می‌شود و اژدها را می‌توان عنصری بازدارنده در نظر گرفت. ترکیب‌بندی این نگاره متقارن است. چنانچه از نوک صخره که تقریباً در وسط ضلع کادر بالایی قرار گرفته، کادر به دو نیم تقسیم می‌شود. رستم و سر اژدها در سمت راست و رخس و بدن اژدها نیز در سمت چپ نگاره قرار گرفته‌اند. این نوع قرارگیری می‌تواند با روایت ارتباط داشته باشد که رخس پوست اژدها را می‌کند و رستم سر از بدن اژدها جدا می‌کند. چنانچه قرارگیری رخس، اژدها و رستم در نظر گرفته شود، در امتداد صخره خطی اریب ایجاد می‌شود که رستم را با توجه به نقش خود در موقعیت نمایشی بالاتر از رخس قرار داده است. گرابر اشاره می‌کند که در نگارگری ایرانی احساسات و جنبه‌های روانشناسانه به‌ندرت به‌صورت مستقیم مشهود است اما نشانه‌هایی برای نمایش آن‌ها وجود دارد. در نگاره‌های ایرانی در مورد انسان، همه‌چیز به‌صورت رمز نشان داده می‌شود و رمزگشایی‌ها از طریق تصاویر ممکن نیست. بلکه ضروری است تا به تصویر مراجعه شود و به منبع الهام آثار توجه شود تا بتوان رمزها را پیدا کرد (گرابر، ۱۳۸۴، ۱۷۶). در این اثر، تنها رستم به‌صورت کامل تصویر شده و بدن رخس و اژدها به‌عنوان عناصری یاری‌دهنده و بازدارنده در روایت از کادر بیرون رفته‌اند. چنانچه پیشتر گفته شد در نقاشی ایرانی، هنرمند آنچه را که مهم تشخیص می‌داد طبق سلیقه خود یا به سفارش حاکم کار کرده‌است. همان‌طور که از مطالعه تطبیقی نگاره‌های مرتبط با خوان سوم رستم برمی‌آید در این نگاره‌ها می‌توان دو شیوه قرارگیری متفاوت را در نظر گرفت. در برخی نگاره‌ها، اژدها در میان رخس و رستم تصویر شده است اما در برخی نگاره‌ها اژدها در مقابل رستم و رخس قرار می‌گیرد. همچنین در مواردی نظیر جایگاه قرارگیری رخس نسبت به رستم، تماس اژدها و رخس تفاوت‌هایی را می‌توان در نظر گرفت. در اغلب این نگاره‌ها قسمتی از متن انتخاب شده که درگیری رخس و رستم را با اژدها نشان می‌دهد (جدول ۲).

تحلیل ظاهر روایت، سیر زایشی معنا را می‌آفریند. در نگاره‌ها شباهت‌هایی به چشم می‌خورد که همواره در آفرینش معنا اثرگذار است. ترکیب‌بندی هر دو اثر تقریباً قرینه است و جایگاه رخس در جایگاه یاری‌گر در موقعیت نمایشی قرار گرفته‌است که گویای آن است. در نگاره اول به سبب تأثیرگذاری بیشتر نقش رخس در روایت (نبرد با شیر) بخش بیشتری از بدن اسب در تصویر نشان داده شده‌است اما در خوان سوم بخش کمتری از بدن اسب ملاحظه می‌شود. همچنین رخس به لحاظ تصویری از زیبایی‌شناسی اسب‌های

نتیجه‌گیری

روایت‌شناسی، مطالعه نظام حاکم بر آشکارسازی مناسبات درونی حاکم بر روایت را شامل می‌شود و از آن‌جایی که رویکرد مذکور، رویکردی بینارشته‌ای است در حیطه هنرهای تجسمی و به تبع آن، نگارگری ایرانی نیز راهگشا است. در پژوهش حاضر، دو نگاره با عنوان «خوان اول رستم: سرزنش رخس» و «خوان سوم رستم: کشتن اژدها با کمک رخس» از شاهنامه قراچغای‌خان از منظر روایتگری مورد توجه قرار گرفت. در دو نگاره می‌توان شباهت‌هایی از بابت چگونگی به تصویر کشیدن روایت را ملاحظه کرد. به‌عنوان مثال، در شاهنامه همواره اسب جایگاه یاری‌دهندگی دارد و این رویکرد در هفت‌خوان رستم دیده می‌شود. در این راستا می‌توان به این مسئله اشاره کرد که با توجه به جایگاه یاری‌دهنده اسب در متن این امر در تصویر کردن آن نیز دیده می‌شود. با بررسی و مطالعه نگاره‌های مذکور می‌توان به این مهم دست یافت که امکان دارد نگارگر، داستان‌های روایی و ادبی ایران را به دستور و سلیقه سفارش‌دهندگان تصویر کرده باشد زیرا کتب ادبی و نگاره‌های آن در کتابخانه‌های سلطنتی کار شده‌اند و

جدول ۲. مطالعه تطبیقی نگاره‌های مرتبط با خوان سوم رستم. مأخذ: نگارندگان.

توضیحات	آنالیز نگاره	تصویر نگاره
<p>- قرارگیری رستم، رخس و اژدها به شکل اریب (به موازات هم)</p> <p>- قرارگیری اژدها در میان رخس و رستم</p> <p>- رخس در امتداد اژدها و پایین تر از رستم قرار گرفته است.</p> <p>- رخس کاملاً در تماس با اژدها تصویر شده است.</p> <p>- قسمتی از متن انتخاب شده که درگیری رخس و رستم را با اژدها نشان می‌دهد.</p>		 <p>شاهنامه قراچغای خان. مأخذ: https://www.rct.uk/collections</p>
<p>- رستم سوار بر رخس تصویر شده است و اژدها به شکل اریب با رخس ارتباط دارد.</p> <p>- قرارگیری رخس میان اژدها و رستم (اژدها مقابل رخس و رستم تصویر شده است)</p> <p>- رخس در امتداد اژدها و پایین تر از رستم قرار گرفته است.</p> <p>- رخس در تماس مستقیم با اژدها نیست.</p> <p>- قسمتی از متن انتخاب شده که درگیری رخس و رستم را با اژدها نشان می‌دهد.</p>		 <p>برگی از شاهنامه. مأخذ: (ظفری نائینی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۶)</p>
<p>- قرارگیری رستم، رخس و اژدها به شکل اریب (به صورت متقاطع)</p> <p>- قرارگیری اژدها در میان رخس و رستم</p> <p>- رخس اندکی بالاتر از اژدها و رستم قرار گرفته است.</p> <p>- رخس کاملاً در تماس با اژدها تصویر شده است.</p> <p>- قسمتی از متن انتخاب شده که درگیری رخس و رستم را با اژدها نشان می‌دهد.</p>		 <p>شاهنامه شاه طهماسبی. مأخذ: (Canby, 2014, 148)</p>
<p>- قرارگیری رخس و رستم به شکل اریب (به صورت متقاطع) و قرارگیری رخس و اژدها به شکل عمودی قرارگیری اژدها در میان رخس و رستم</p> <p>- رخس اندکی بالاتر از اژدها و رستم قرار گرفته است.</p> <p>- رخس کاملاً در تماس با اژدها تصویر شده است.</p> <p>- قسمتی از متن انتخاب شده که درگیری رخس و رستم را با اژدها نشان می‌دهد.</p>		 <p>برگی از شاهنامه حدود ۹۹ هـ. ق. مأخذ: https://www.britishmuseum.org</p>

توضیحات	آنالیز نگاره	تصویر نگاره
<p>- قرارگیری رخس و رستم به شکل عمودی و قرارگیری رخس و اژدها به شکل افقی</p> <p>- قرارگیری رخس در میان اژدها و رستم (اژدها در مقابل رخس و رستم قرار دارد)</p> <p>- رخس بالاتر از رستم و با اژدها در یک راستا قرار گرفته است.</p> <p>- رخس در تماس اندکی با اژدها تصویر شده است.</p> <p>- قسمتی از متن انتخاب شده که درگیری رخس و رستم را با اژدها نشان می‌دهد.</p>		<p>نگاره‌ای از شاهنامه، قزوین ۹۸۵ه. ق. مأخذ: (پاکباز، ۱۳۹۰، ۱۱۳)</p>
<p>- قرارگیری رستم، رخس و اژدها به شکل عمودی (به موازات هم)</p> <p>- قرارگیری اژدها در میان رخس و رستم</p> <p>- رخس در امتداد اژدها و پایین‌تر از رستم قرار گرفته است.</p> <p>- رخس کاملاً در تماس با اژدها تصویر شده است.</p> <p>- قسمتی از متن انتخاب شده که درگیری رخس و رستم را با اژدها نشان می‌دهد.</p>		<p>شاهنامه ۷۳۳ه. ق. مأخذ: (آدامووا و گیوازالیان، ۱۳۸۳، ۱۱۶)</p>

در متن و نگاره جنگ تیمور با سلطان محمود والی هندوستان بر مبنای الگوی کنشی گریماس. نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، ۳(۲۸)، ۴۱-۵۱. <https://doi.org/10.22059/jfa-taj.2023.353287.667030>

• پاکباز، روئین. (۱۳۹۰). *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*. زرین و سیمین.

- پاکباز، روئین. (۱۳۹۵). *دایرةالمعارف هنر. فرهنگ معاصر*.
- حسینی، مهدی. (۱۳۹۰). *شاهنامه قرچقای خان (شاهنامه ویندوز)*. هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، ۳(۴۵)، ۱۳-۲۲. <https://doi.org/10.22059/jfa-taj.2017.3968>
- رحیمووا، زد ای و پونیاکووا، النا. (۱۳۸۱). *نقاشی و ادبیات ایرانی (ترجمه زهره فیضی)*. روزنه.
- ظفری نائینی، سپیده؛ رحمانی، جبار و جوکار، جلیل. (۱۳۹۵). *تحلیل هرمنوتیکی نگاره استاد جزئی‌زاده با رویکرد هیرش*. <https://doi.org/10.22051/jtpva.2017.3968>
- عباسی، علی. (۱۳۹۳). *روایت‌شناسی کاربردی: (تحلیل زبان‌شناختی روایت: تحلیل کاربردی بر موقعیت روایی عنصر پیرنگ و نحوه روایی در روایت‌ها)*. دانشگاه شهید بهشتی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۵). *شاهنامه فردوسی (ویرایش ژول مل)*. علمی و فرهنگی.

یا در برخی موارد سلیقه خود را در به تصویرکشیدن روایت دخیل کرده باشد. در هر صورت نمی‌توان این امر را با قطعیت مشخص کرد. در پژوهش حاضر این مسئله مطرح و بررسی شده و می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های آتی در این زمینه باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Russian formalism
2. Ferdinand de Saussur
3. Aristotle
4. Poetics
5. کن‌بای اشاره می‌کند که محمد قاسم جوان‌تر از محمد یوسف بود و بر شاهنامه ۱۰۵۸ نیز کار می‌کرد (کن‌بای، ۱۳۷۸، ۱۰۸).
6. محمد یوسف آثار خود را با جملات «محمد یوسف مصور» و «محمد یوسف عباسی» امضا می‌کرد (پاکباز، ۱۳۹۵، ۱۳۵۵).

فهرست منابع

- آدامووا، آدل و گیوازالیان، لئون. (۱۳۸۳). *نگاره‌های شاهنامه (ترجمه زهره فیضی)*. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (اثر اصلی منتشره ۱۹۸۵).
- برگر، آرتور آسا. (۱۳۸۰). *روایت در فرهنگ عامیانه، رسانه و زندگی روزمره (ترجمه محمدرضا لیراوی)*. سروش. (اثر اصلی منتشره ۱۹۹۶)
- بیات، سپیده و مصباح، بیتا. (۱۴۰۲). *تحلیل ساختار روایت*

- (۱۹۹۴)
- موسوی لری، اشرف‌السادات و مصباح، گیتا. (۱۳۹۰). تحلیل ساختار روایت در نگاره «مرگ ضحاک» بر اساس الگوی کنشی گریماس. نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، ۳(۴۵)، ۲۳-۳۴. https://jfvava.ut.ac.ir/article_23315.html
 - نبی لوجهرفانی، علیرضا. (۱۳۹۰). بررسی و تحلیل ساختار روایی هفت خوان رستم. پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، ۵(۴)، ۹۳-۱۱۸. <https://sid.ir/paper/123702/fa>
 - Robinson, B. W., Sims, E., & Bayani, M. (2007). *The Windsor Shahnama of 1648*. Azimuth Editions for the Roxburghe Club.
 - Canby, S. R. (Ed.). (2014). *The Shahnama of Shah Tahmasp: The Persian Book of Kings*. Metropolitan Museum of Art.

- قائمی، فرزاد و یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۸). اسب؛ پرتکرارترین نمادینه جانوری در شاهنامه و نقش آن در تکامل کهن الگوی قهرمان. زبان و ادب پارسی، ۱۳(۴۲)، ۹-۲۶. <https://sid.ir/paper/90946/fa>
- کن‌بای، شیلا. (۱۳۷۸). نقاشی ایرانی (ترجمه مهدی حسینی). دانشگاه هنر. (اثر اصلی منتشره ۱۹۹۳)
- گرابر، اولک. (۱۳۸۴). مروری بر نگارگری ایرانی (ترجمه مهرداد وحدتی‌دانشمند). متن. (اثر اصلی منتشره ۲۰۰۰)
- مارتین، والاس. (۱۳۸۲). نظریه‌های روایت (ترجمه محمد شهبان). هرمس. (اثر اصلی منتشره ۱۹۸۶)
- مکاریک، ایرناریما. (۱۳۹۰). دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر (ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی). آگه. (اثر اصلی منتشره ۱۹۹۳)
- هال، جیمز. (۱۳۹۲). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب (ترجمه رقیه بهزادی). فرهنگ معاصر. (اثر اصلی منتشره ۱۹۹۴)



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
ضرغام، ادهم و دستیاری، الناز. (۱۴۰۳). تحلیل نقش رخس در ساختار روایت نگاره‌های هفت‌خوان رستم با تأکید بر روایتگری (نمونه موردی شاهنامه فرچغای خان). مجله هنر تمدن شرق، ۱۲(۴۶)، ۶-۱۵.

DOI: 10.22034/JACO.2024.441573.1385

URL: https://www.jaco-sj.com/article_203765.html

